

بررسی تأثیر مشارکت های مردمی در کاهش ناامنی های شهری نمونه مورد مطالعه: شهر کرمانشاه

دکتر گلرود مرادی (استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد، واحد اسلام آباد غرب)
gkmoradi@yahoo.com

چکیده

امروزه یکی از مسائل اجتماعی که ذهن بسیاری از محققین علوم اجتماعی را به خود مشغول نموده، مسأله افزایش ناامنی در شهرها است. افزایش ناامنی های اجتماعی، سرقت ها، رفتارهای غیر مسئولانه و ضد اجتماعی که امروزه در بسیاری از جوامع به شکل حاد درآمده و از حالت یک پدیده اجتماعی خارج و به صورت یک مسأله اجتماعی نمودار گشته است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می اندازد، بلکه هزینه های مالی گزاف را تحمیل مالیات دهندگان و ساکنین این شهرها می کند. هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیر مشارکت های مردمی در کاهش ناامنی های شهری در کرمانشاه است. روش تحقیق در این مقاله پیمایش بوده و از طریق ابزار پرسش نامه انجام شده است. تعداد ۳۸۴ شهروند به عنوان نمونه معروف به شیوه تصادفی سیستماتیک برای مطالعه انتخاب شدند. از اعتبار صوری و ملاک برای روایی و آلفا کرونباخ برای پایایی ابزار تحقیق استفاده به عمل آمد.

بر اساس یافته های تحقیق عواملی چون میزان ارتقای فرهنگی ($t=0/17$)، میزان اصالت شهری ($t=0/74$)، میزان مشارکت در بعد ذهنی ($t=0/34$) و میزان مشارکت در بعد عینی ($t=0/39$) با میزان کاهش ناامنی ها رابطه معنادار و مثبتی داشته و در کاهش ناامنی های شهری مؤثر بوده اند. نتایج ضریب رگرسیونی نشان می دهد که متغیرهای اصالت شهری بودن ($Beta=0/47$)، میزان مشارکت اجتماعی در بعد عینی ($Beta=0/37$)، میزان مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی ($Beta=0/23$)، جنسیت افراد ($Beta=0/18$) و میزان ارتقای فرهنگی ($Beta=0/21$) به ترتیب میزان اهمیتی در تعیین نسبت واریانس متغیر وابسته داشته اند، وارد معادله رگرسیونی شده و در مجموع ۵۵٪ از واریانس متغیر وابسته را به حساب آورند ($R=0/55$).

کلیدواژه ها: ناامنی شهری، مشارکت اجتماعی، مهاجرت، بی سازمانی اجتماعی، کرمانشاه.

مقدمه

ناامنی های شهری، یکی از پدیده های حیات انسانی تلقی می شوند که از دیرباز گریبان گیر جامعه انسانی بوده و سلامت جامعه را به خطر می انداخته اند. افرادی که منحرف شناخته می شوند، در واقع نتوانسته اند خود را با موازین اجتماعی جامعه تطبیق دهند. این عدم هماهنگی، علل گوناگونی دارد و ریشه این علل را باید هم در فرد و هم در جامعه جستجو کرد. رشد لجام گسیخته جمعیت شهری با ایجاد و افزایش ناامنی ها در بافت شهری، باعث سکونت در حاشیه شهرها و گسترش حاشیه نشینی و زاغه نشینی شده است. خانواده های تهی-دست و غالباً مهاجر که به تعبیر لویس^۱ در نوعی (فرهنگ فقر) زندگی می کنند، به طور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می دهند (بیات، ۱۶۱: ۱۳۸۴) و کمتر در محور برنامه های حمایتی دولت قرار دارند. در این بخش از شهر، فقر، ویرانی، مسکن نامناسب، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، فقدان آسایش لازم، مسائل بهداشتی، کمبود فضاهای شهری و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل، به وفور یافت می شود که البته به موارد یاد شده باید اوصافی چون عدم امنیت، جرمزا بودن و نیز مأمّن و پناهگاه امن برای بزهکاران را اضافه نمود. بروز و ظهور مشکلاتی چون بی مسکنی و بدمسکنی، معضل حاشیه نشینی و رشد زاغه ها و سکونتگاه های غیررسمی، چالش های زیست محیطی، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، معضل دفع زباله و عدم بازیافت آن، مشکلات ترافیکی و آمد و شد، گسترش آسیب ها و انحرافات اجتماعی، گسترش آسیب های روانی و شخصیتی، مشکل توزیع عادلانه تر امکانات و خدمات شهری مورد نیاز شهروندان؛ مسئله تأمین کار و درآمد برای همه آحاد شهروندان؛ انواع نارضایتی های جمعی و ظهور پدیده نندالیسم و احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر همراه بوده است (نقدی، ۲: ۱۳۸۲). رشد روزافزون ناامنی در شهرها، و مشکلات فراوانی که شهرها در دامن خود می پروراند، پیگیری های جدی را در این زمینه را ضروری می نماید.

نظریه پردازان جامعه شناسی انحرافات، ناامنی های اجتماعی را به عنوان شیوه رفتاری که بر خلاف وفاق جامعه است، در نظر گرفته و آن را به عدم هم نوابی با یک هنجار یا مجموعه هایی از هنجارهایی که مورد قبول بیشتر اعضای یک جامعه واقع شده است، تعریف نموده اند (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴).

۱. Lewis

وجود ناامنی های شهری موجب گسترش اضطراب و پریشانی که نتیجه آن افزایش بیماری های روان تنی، گسترش پدیده قتل های خانوادگی، همسرکشی، کودک آزاری، قتل های ناموسی، نزاع های خیابانی، انتقام جویی، اعتیاد، سرقت و... را شامل می شود. افزایش ناامنی های اجتماعی، سرقت ها، رفتارهای غیرمسئولانه و ضداجتماعی که امروزه در بسیاری از جوامع به شکل حاد در آمده و از حالت یک پدیده اجتماعی خارج و به صورت یک مسأله اجتماعی نمودار گشته است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می اندازد، بلکه هزینه های مالی گزاف را تحمیل مالیات دهندگان و ساکنین این شهرها می کند (محسنی تیریزی، ۱۳۸۳: ۱۴).

گمنامی، بلا تکلیفی، غیر قابل پیش بینی نمودن رویدادها و از بین رفتن قید و بندهای غیر رسمی کنترل اجتماعی که از ویژگی های یک توده وسیع جمعیت در کلان شهرها است، زمینه ساز انحراف و ناامنی های شهری است (ممتاز، ۱۳۸۳: ۸۴). رشد و تراکم بالای جمعیت در این شهرها از عواملی است که زمینه را برای بروز ناامنی های شهری فراهم می سازد. توسعه صنعتی و تجاری در این کلان شهرها سبب مهاجرت نیروی کار اضافی شهرهای کوچک و روستاها به این شهرها شده است. از آنجا که رشد و تراکم بالای جمعیت در این کشورها متناسب توسعه امکانات اقتصادی مانند ایجاد فرصت های شغلی مناسب برای همه افراد و ارایه خدمات اجتماعی و تسهیلات زندگی نظیر خدمات آموزشی، بهداشتی و مسکن نبوده است، کنترل رسمی این انبوه جمعیت که مستعد رفتار بزهکارانه و مجرمانه می باشد، بسیار مشکل خواهد بود. محیط های ناامن شهری برای مهاجرانی که از فرهنگ خود جدا شده اند و انتخاب حاشیه شهرها به عنوان محل سکونت و قرار گرفتن در شرایط خاص زندگی به همراه فقر اقتصادی، انحرافات اجتماعی را افزایش می دهد. دوگانگی و چندگانگی فرهنگی حاکم بر مناطق حاشیه نشین بازتاب شیوه زندگی طبقات پایین اجتماع است که به عنوان فقر فرهنگ شناخته می شوند و یکی از عوامل رفتار مجرمانه است.

از طرفی مشارکت مستمر شهروندان می تواند به کاهش رشد جمعیت، امنیت بیشتر، کیفیت زندگی بهتر و سالم تر، انسجام اجتماعی در حوزه رعایت تندرستی و سلامتی منجر شود. از طرفی بنا به تعبیر ویلکینسون^۱ الگوهای دوستی در جامعه شهری می تواند از یک سو نشان دهنده آسودگی و اعتماد اجتماعی شهروندان باشد و از سوی دیگر نشان دهنده این باشد که تماس اجتماعی با دوستان و ارتباط با آنان تا چه حد نگرانی، مقایسه

^۱-Wilkinson

های منفی اجتماعی، احساس ناتوانی و وحشت را برای شهروندان در حوزه سلامت می تواند از بین ببرد (بن فاین^۱، ۱۳۸۹: ۴۹).

نگاهی به آمارها و ارقام منتشر شده در کشور نشان می دهد که طی سال های ۶۵ تا ۸۳ میزان قتل های عمدی و غیر عمدی به طور متوسط ۱۱/۲۰٪ و ۱۲/۳۴٪ در سال رشد داشته است که نشانگر وجود نوعی بحران اجتماعی و ناامنی در جامعه است. از طرفی داده های مربوط به پرونده های ختم یافته اختلاس، ارتشاء و جعل و رانندگی بدون گواهینامه حاکی از افزایش رشد ناامنی های شهری است. در چنین شرایطی بدیهی است که ناامنی در صور مختلف آن در جامعه به خصوص در شهرها افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳: ۵۳۶). استفاده روزافزون از حفاظ های فلزی برای درب (فیالکوف^۲، ۱۳۸۸: ۵۴) و پنجره های منازل و همین طور استفاده از دیوارهای بلند و محکم به جای دیوارهای کوتاه می تواند تائیدی بر وجود ناامنی در میان شهروندان باشد (ترکمانی، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

قابل انتظار است که در چنین شرایطی فضایی همراه با احساس ناامنی و اضطراب بالا، همکاری های مردمی با نیروهای نظارت کننده و مشارکت مردمی می تواند تا حدی در کاهش این ناامنی ها مؤثر باشد. در این راستا یکی از لوازم برنامه ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت فعال و اثربخش همه جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه می باشد. مشارکت فرآیندی است که دربرگیرنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم گیری درباره امور عمومی است (موسوی، ۱۳۸۵: ۶۸). مشارکت می تواند به درجات و اشکال گوناگونی نظیر تعاون، همکاری، همیاری و انطباق و سازگاری و ... بیان شود. حضور داوطلبانه شهروندان در نهادهای اجتماعی از جمله سازمان پلیس در زمینه کاهش جرایم و ناامنی های شهری قابل ملاحظه می باشد. زندگی جمعی موجد مجموعه ای از ارزش ها و قواعد است که افراد به یک دیگر مرتبط می سازد. این ارزش ها و قواعد بایستی توسط اعضای جامعه پذیرفته شود تا جایگاه مدنی حیات اجتماعی حفظ شود. برقراری ارتباط منطقی بین ارزش های نهادینه شده توسط مردم و امنیت اجتماعی از موضوعات مورد توجه اندیشمندان مختلف است که خود می تواند به کاهش ناامنی های شهری منجر شود. گسترش روزافزون اندیشه های معطوف به مشارکت مدنی و عمومی در بسیاری از

۱-Benfine

۲-Fijalkow

حوزه های علوم انسانی سوق داده شده است. در واقع به باور چاندوک^۱ یکی از وظایف عمومی در جامعه امروز برقراری ارتباط و ایجاد ساختارهای حمایتی مشترک بین اعضای آن است (گل پرور و عریضی، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

با پیروزی انقلاب اسلامی همگام با تحول سطح مشارکت مردم در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شاهد توجه قابل قبولی در امر مشارکت انتظامی مردم و از سویی دیگر توجه به رویکرد جامعه محوری از سوی نهادهای انتظامی بوده ایم. مشارکت مردمی با پلیس در زمینه برقراری نظم و امنیت می تواند به گسترش هویت مدنی پلیس یعنی مردمی بودن آن منجر شود. به هر میزانی که سازمان پلیس به سمت مردمی شدن و داشتن تعاملات گسترده با مردم حرکت کند، علاوه بر بالا رفتن راندمان و بهبود عملکرد پلیس، منجر به کاهش ناامنی های شهرها و گسترش امنیت در شهرها شود (نوابی راهبر، ۱۳۸۶: ۲۴۲).

امروزه بحث امنیت با بالا رفتن سطح مشارکت و آگاهی های عمومی مفهومی جدید پیدا کرده است به طوری که نه تنها مردم از حالت کاملاً انفعال محض، خارج شده اند و با تشکیل سازمان ها و نهادهای مستقل و غیر دولتی بخش مهمی از امنیت جامعه را در دست گرفته اند، بلکه بالا بردن سطح تفاهم و گفت گو میان دولتمردان و مردم به عنوان یکی از کلیدهای اساسی در تقویت امنیت اجتماعی به حساب می آید (صادقیان، ۱۳۸۳). بکر^۲ به نقل از گافمن^۳ مشارکت فرد در نظام کنش متقابل را عاملی برای به وجود آمدن یک احساس مسئولیت (تعهد) برای تداوم مشارکت فرد در نظام کنش متقابل عنوان می کند و همین امر باعث بروز رفتار ثابت در فرد می گردد (بیکر، ۱۹۶۰: ۳۵). احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی مردم از میزان وجود و یا عدم وجود ناهنجاری و جرم در آن جامعه باز می گردد (قربان حسینی، ۱۳۷۷: ۲۳). هرگونه ضعف و اختلال در حفظ نظم و انجام هر گونه اقدام و برخورد نامناسب همانا تهدیدی علیه امنیت جامعه است (احمدی و دیگران، ۱۳۸۶: ۹۳).

به منظور شناخت رابطه بین مشارکت مردمی و ناامنی های شهری و برای پیشگیری از وقوع این مسائل و اصولاً پیدایش زمینه های شناخت جهت جلوگیری از روند ناامنی های شهری و درمان افراد ناسازگار، انجام

۱-Chandock

۲-Becker

۳-Goffman

پژوهش‌های عمقی در این زمینه ضروری می‌نماید. در این راستا لزوم توجه به مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های امنیتی کشور نقش اساسی در ایجاد نظم و امنیت اجتماعی دارد. برای جلب مشارکت مردم باید از طریق ایجاد یک ارتباط نزدیک و صمیمی با گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه، توانایی و آمادگی خود را برای پاسخ‌گویی به نیازهای امنیتی جامعه به اثبات برسانند و تسهیلات لازم برای همکاری داوطلبانه افراد جامعه با آنان فراهم آورند. مشارکت مردم در برقراری امنیت اجتماعی، از آگاهی و باور آن‌ها به قوانین و مقررات جامعه، آغاز و با عمل به این باورها، تداوم یافت و در پیشگیری از ناامنی‌های شهری و همکاری با نیروهای کنترل‌کننده و تأمین امنیت اجتماعی پایان می‌پذیرد.

با عنایت به موارد بالا می‌توان پرسش اساسی این مقاله به صورت ذیل بیان نمود: مشارکت‌های مردمی چه تأثیری بر کاهش ناامنی در شهرها وجود دارد؟

هدف اصلی این مقاله بررسی تأثیر مشارکت‌های مردمی در کاهش ناامنی‌های شهری در کرمانشاه است. در این راستا توجه به ارتباط هر یک از ابعاد ناامنی شهری با ابعاد مشارکت اجتماعی قابل توجه می‌باشد. قابل ذکر است که نقش متغیرهایی چون اصالت شهری و ارتقای فرهنگی نیز در این راستا مورد توجه و تحلیل می‌باشند.

پیشینه تحقیق

ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای با عنوان امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، شاخص‌های امنیت (امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت عاطفی، امنیت عاطفی و امنیت شغلی) را مورد بررسی و ارزیابی قرار دادند. در این مطالعه آن‌ها نشان دادند که احساس ناامنی جانی، مالی و اخلاقی در میان شهروندان تهرانی بسیار بالاست. نتایج نشان می‌دهد که ۶۵٪ از افراد ناامنی جانی، ۵۳٪ ناامنی مالی و ۴۴٪ ناامنی اخلاقی را در شهر تهران مورد تأکید قرار دادند (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵).

احمدی و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین مشارکت مردمی و احساس امنیت اجتماعی در شهر اسلام‌آباد غرب"، به این نتیجه دست یافتند که بین امنیت اجتماعی و متغیرهای اعتماد اجتماعی و احساس امنیت رابطه مثبت و مستقیم ($r=0/68$)، مشارکت اجتماعی و احساس امنیت رابطه مثبت و مستقیم ($r=0/30$)، نگرش‌های دینی و احساس امنیت رابطه مثبت و مستقیم ($r=0/61$) و میزان استفاده از

رسانه های جمعی و احساس امنیت رابطه معکوس و منفی ($r = -0.28$) وجود دارد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۱-۱۱۱).

مرادی و جلائیان (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان بررسی ارتباط بین مسئولیت اجتماعی جوانان و امنیت اجتماعی در شهر مشهد به این نتیجه دست یافتند که بین مسئولیت اجتماعی، تعهد اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تحصیلات جوانان با امنیت اجتماعی ارتباط مثبت و مستقیمی وجود دارد (مرادی و جلائیان، ۱۳۸۶: ۲۹-۵۱).

خوش فر (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی به این نتیجه می رسد که بین ویژگی های سن (رابطه مستقیم و مثبت)، سطح تحصیلات (رابطه مستقیم و مثبت)، وضعیت تأهل و موقعیت شغلی شهروندان و مشارکت آن ها در ایجاد امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته ها نشان می دهد که گرایش افراد به امنیت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی (رابطه مستقیم و مثبت) هم با گسترش امنیت شهروندان رابطه معناداری دارد (خوش فر، ۱۳۸۲: ۲۷۵-۲۹۵).

انصاری (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در شهرستان تهران انجام داده است. نتایج وی نشان می دهد که بین شاخص هایی چون اعتماد، یگانگی اجتماعی، قانون گرایی، وجدان کار و رضایت مندی اجتماعی با امنیت اجتماعی شهروندان رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد (انصاری، ۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۸۱).

بیانلو (۱۳۸۵) به بررسی رابطه بین عوامل جمعیت شناختی و بوم شناختی با نوع و نرخ جرم، و همچنین شناسایی نقاط جرم خیز و جرایم خاص هر منطقه از مناطق هشت گانه شهر شیراز پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که بین متغیرهای جنسیت، تأهل، شغل، ملیت، محل تولد، محل زندگی، ماه های دستگیری و حوزه استحضاتی کلاتری دستگیر کننده مجرم با نوع جرم رابطه معنی دار است. همچنین تراکم جمعیت با متغیرهای نرخ قتل، جعل اسناد، کلاهبرداری، کیف قاپی و سرقت های عادی رابطه مستقیم و مثبتی دارد.

شرمن^۱ (۱۹۸۵) به بررسی تحقیقی در مورد نگرش مردم امریکا به امنیت اجتماعی پرداخته است. هدف مطالعه بررسی چگونگی نگرش مردم امریکا به سیستم امنیت اجتماعی در امریکا و مشارکت مردم در امنیت اجتماعی و فواید این سیستم می باشد. همچنین نقش دولت در حمایت و هزینه های این برنامه نیز بررسی شد.

۱ . Sherman

روش مطالعه بر اساس مصاحبه تلفنی از ۲۰۰۰ نفر در چهار گروه سنی ۶۲ به بالا و ۴۵-۶۱ و ۳۵-۴۴ و ۲۵-۳۴ و همچنین بر اساس روش گروه مرکز^۱ با در نظر گرفتن ناحیه جغرافیایی، سن، جنس، نژاد، بعد خانوار، سطح درآمد می باشد. نتایج نشان داد که نگرش مردم به امنیت اجتماعی موفقیت آمیز بوده است و بیشتر بر استمرار این سیستم تاکید می شود. ۹۸٪ افراد به ویژه بازنشستگان سیستم امنیت اجتماعی را به عنوان اصلی منبع اصلی درآمد ذکر کرده اند. در مورد اعتماد اجتماعی تنها ۴۶٪ ذکر شده است که در گروه‌های سنی مختلف متنوع بود. علی رغم توجهات به این سیستم ۶۸٪ پاسخ گویان این نظر داشتند که نظام اجتماعی کشور نمی تواند امنیت اجتماعی را حمایت کند (شرمن، ۱۹۸۵: ۲-۱۶).

ایکبلور^۲ (۱۹۹۲) با استفاده از اطلاعات دفتر تحقیقات و آمار آمریکا مطالعه ای تحت عنوان نگرش مردم به امنیت انجام داده است. نتایج نشان داد که امنیت اجتماعی در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۷۰ قوی بوده است، ولی هنگامی که بحران مالی به وجود آمد اعتماد مردم نسبت به سیستم امنیت از ۶۳٪ در سال ۱۹۷۵ به ۳۹٪ در سال ۱۹۷۸ رسید. اما در سال ۱۹۸۸ طی تحقیقات انجام شده نیمی از مردم اعتماد به آینده سیستم را بیان کردند. همچنین، یافتن های پژوهش بیانگر آن است که بیشتر افراد مورد مطالعه بر روی درآمد مردم و در مواقعی که بازنشسته می شوند، تاکید دارند. نهایتاً، تحقیق نشان می دهد که اگر مشارکت اختیاری باشد، ۷۵٪ افراد علاقه مند به ماندن در این سیستم دارند (ایکبلور، ۱۹۹۲: ۶).

بتنا و همکاران^۳ (۲۰۰۵) در پژوهش خود تحت عنوان "نقش جنسیت در ایجاد رفتار مجرمانه" نقش تفاوت‌های جنسیتی در جرم و خشونت نشان می دهند که میزان تخلف و به ویژه خشونت در میان پسران بیشتر از دختران است. یافته‌های پژوهش نشان می دهد که تفاوت‌های جنسیتی در توسعه درک اجتماعی، ممکن است به توضیح تفاوت‌های جنسیتی در جرم و خشونت کمک کند. همچنین یکی از دلایلی که دختران میزان تخلف کمتری دارند این است که آن‌ها مهارت‌های ادراکی اجتماعی را در زندگی، زودتر از پسران به دست می آورند و مهارت‌های اجتماعی گری را بهتر یاد می گیرند (بتنا و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۶۳-۲۸۸).

۱. Focus group

۲. Iqblur

۳. Bennetta et al

مبانی نظری تحقیق

از دیدگاه اندیشمندانی چون پروچی و پیلی ساک^۱ پدیده های اجتماعی وقتی به عنوان مسائل اجتماعی تعریف می شوند که از سوی مردم و حافظان نظام به عنوان مسائلی مغایر با هنجارها و ارزش های فرهنگی موجود در جامعه قلمداد شوند و این اصول را زیر پا بگذارند. بنابراین، ماهیت مسائل به تعریف مؤولین، نیروی انتظامی، پلیس و دستگاه های قضایی در مورد آن مسأله وابستگی پیدا می کند. در این قسمت از دیدگاه های متفاوت بحث امنیت و ارتباط آن با مشارکت مورد بررسی قرار گرفته است.

تئوری سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی زاده کنش و واکنش افراد می باشد و محصول آشنا بودن و آشنا شدن آدمیان با یک دیگر است. بورت^۲ سرمایه اجتماعی را متشکل از دوستان، همکاران و تماس ها و ارتباطات عمومی می داند که از طریق آنان هر فرد فرصت برای استفاده از سرمایه مالی و انسانی خود را به کف می آورد (پیران و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲). به نظر فوکویاما^۳، سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها و ارزش های غیر رسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۶). مشارکت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی یکی از محورهای اصلی آموزش در بسیاری کشورهای است که در راستای رشد و توسعه همه جانبه گام برمی دارند (سارتز^۴، ۲۰۰۲: ۹۵). بوردیو^۵ سرمایه اجتماعی را در عضویت در یک گروه برای دست یابی به منابع آن گروه می داند (ویتر^۶، ۲۰۰: ۲). آرو معتقد است که سرمایه اجتماعی چیزی جز تعاملات اجتماعی نیست. وی شاخص هایی چون وفاداری، اعتماد؛ اتصال شبکه ای، اقتدار فردی، هویت سازمانی و هنجارهای اجتماعی می داند (افتخاری، ۱۳۸۲). براین اساس می توان گفت جامعه از گروه ها و اجتماعات بسیاری مثل شهروندی، همسایگی، قومی و... تشکیل شده است (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۳) که این گروه ها دارای انواعی مختلف از کنش های فردی و جمعی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت جامعه

۱ . Perrucci & Pilisuk

۲ . Burt

۳ . Fokoyama

۴ . Saarts

۵ . Bordiou

۶ . Winter

و همچنین تصمیم گرفتن در مورد امنیت جامعه خود می باشند. براین اساس تئوری سرمایه اجتماعی تحلیل خود را متمرکز بر ویژگی های کلان اجتماعی می کند و معتقد است این ویژگی های کلان اجتماعی انگیزشی در افراد ایجاد می کند که عامل مشارکت و توسعه جامعه می شود. لذا وجود سرمایه اجتماعی در شهروندان سبب مشارکت اجتماعی آنان در مسائل امنیتی شهر و جامعه می شود.

ارتباط سرمایه اجتماعی با امنیت شهری شهروندان از طریق پارامترهایی چون اعتماد و تعامل متقابل، افزایش روح جمعی نسبت به آینده شکل می گیرد. هدف از ارتباط این دو پدیده تدوam تعامل شهروندان و مسئولان برای کاهش هزینه های بی جهت در مورد ناامنی شهری و تقویت هنجارهای مؤثر بر امنیت است. این هدف همراه با نظارت مستمر و نهادینه کردن ارزش ها در اذهان شهروندان شکل می گیرد. سرمایه اجتماعی از طریق تأثیرات بافتی و ترکیبی بر امنیت شهروندان در قالب الگوهای دوستی، آسودگی و اعتماد اجتماعی شهروندان با یک دیگر، تماس اجتماعی با دوستان و رفع فشارهای روحی و کاهش احساس ناتوانی از داشتن امنیت، و... شکل می گیرد. از بُعد دیگر انسجام اجتماعی بین سازمان های مرتبط با مدیریت در جهت افزایش خدمات امنیت شهری منجر به کاهش ناامنی در میان شهروندان شده است.

نظریه معرفت های محلی

نظریه معرفت های محلی^۱ که امروزه اکثر سازمان های غیردولتی از آن دفاع می نمایند به دنبال جلب مشارکت واقعی مردم در زندگی اجتماعی آنان است. تحت این مشارکت، عدم تمرکزگرایی در جامعه جهت تسهیل فرآیند تصمیم گیری از پایین به بالا تقویت می گردد (فولر^۲، ۱۹۹۲). استفاده از معرفت های محلی، تمرکز بر واقعیت های اجتماعی، دنبال کردن فرآیند حرفه ای شدن و اصالت به ارزش های انسانی، ماهیت روابط سازمان های غیردولتی با مردم را تشکیل می دهد (چمبرز^۳، ۱۹۸۳). این استراتژی مورد حمایت داوطلبان و کسانی که به این سازمان ها کمک می نمایند، قرار گرفته است. در فرآیند شکل گیری خط مشی نظری سازمان های غیردولتی و مردمی شاهد گرایشات جدید در بالا بردن امنیت در جامعه و کاهش جرایم اجتماعی

۱- Commonsense

۲- Fowler

۳- Chambers

و ناامنی های شهری هستیم. در این راستا سعی شده است تا تفکر تحلیلی مبتنی بر عقلانیت سازمان (که همان پلیس است) با تفکر انعطاف پذیر مشارکتی مبتنی بر خلاقیت مردمی با هم ترکیب شده و هماهنگ با هم سعی شود ناامنی های موجود در شهرها را کاهش دهد. این رویکرد مدلی است که در آن پلیس مسئولیت اجتماعی حل مسأله را دارد. در رهیافت حل مسأله نیروی پلیس با یک تقسیم کار کمتر پیچیده ای مواجه است و قوانین و سطوح اقتدار نیز کمتر دارد بلکه از نوعی خلاقیت استفاده می کند (احمدی، ۱۳۷۷). در این رهیافت پلیس با تلاش در زمینه حل مسائل ناشی از وقوع حوادث در جستجوی کمک به مردم به منظور تأمین نظم، آرامش و امنیت است. در شیوه حل مسأله، پلیس در جستجوی الگوهای برای شناخت ناامنی ها و به دست آوردن راه حل‌هایی برای آن‌ها توسط خود مردم است. این شیوه همکاری و همبستگی مردم را با پلیس گسترش می دهد. شکل گیری و گسترش فعالیت‌های مردمی در همکاری با نیروهای نظامی و نظارت کننده اجتماعی از آرمان های بنیادین نظام اجتماعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به شمار می رود (عبداللهی و ایمان، ۱۳۸۵: ۲۸۵). در این راستا مباحث تشکیل پلیس مردمی، تشکیل و تقویت شوراهای واگذاری بسیاری از مسئولیت ها به مردم و تقویت خلاقیت مردمی از جمله این اهداف است.

نظریات بی سازمانی اجتماعی: این نظریه پردازان بر این باورند که عواملی چون کاهش نهادهای اجتماعی مثل خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، کاهش انسجام سنتی که پیامد رشد سریع شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی شهرهاست. نظریات بی سازمانی ناامنی های اجتماعی را در قالب جرایمی چون قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد تحلیل می نمایند.

این نظریه به اختلال در کارکرد اجتماعی شدن و هم نوایی اجتماعی برخی اعضاء و گروه های جامعه به عنوان علت پیدایش بیماری ها و آسیب های اجتماعی تأکید دارد و معتقد است بیماری های اجتماعی زمانی به وجود می آیند که اعضای یک جامعه به طور مناسب، اجتماعی نشده و با هنجارها و ارزش ها تطابق و هم نوایی نیافته اند (حسینی ۱۳۸۵: ۴۳). این دیدگاه معتقد است برای جلوگیری یا حل مسائل اجتماعی اعضای یک جامعه، «افراد بیمار» باید به وسیله خانواده، مدرسه، کلیسا، محل کار یا رسانه های جمعی، آموزش اخلاقی یا جامعه پذیری درست را دریافت کنند (لینا، ۲۰۰۰: ۱۱-۱۲).

نظریه بوم شناختی

نظریه بوم شناختی در مکتب شیکاگو^۱ را جامعه‌شناسانی چون پارک^۲ و برجس^۳ که در زمینه جامعه‌شناسی شهری مطالعه می‌کردند، مطرح نمودند. آنان در تبیین ناامنی‌های شهری بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت، نظیر؛ زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونتگاهی و تراکم جمعیت تمرکز کردند. جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو از آغاز قرن بیستم بعضی از رفتارهای انحرافی نظیر: خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو با هدف درک تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن، بعد خانوار، تراکم جمعیت و مهاجرت و عوامل بوم‌شناختی نظیر قومیت، نژاد و محل سکونت بر بی‌سازمانی اجتماعی تأکید نموده و ناامنی‌های شهری را مطالعه کردند (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۵). دیدگاه بوم‌شناسی مدعی است که شهرنشینی نابسامانی‌های شخصیتی و اجتماعی و مشکلات روانی افراد را افزایش می‌دهد. این دیدگاه را تحت عنوان نظریه "آنومی شهری"^۴ هم بیان می‌کنند (مرادی، ۱۳۸۵: ۲۴). نظریه‌پردازان دیدگاه بوم‌شناسی استدلال می‌کنند که اندازه جمعیت، تراکم اجتماعی و سکونت و ناهماهنگی اجتماعی در ارتباط با زندگی شهری منجر به تخریب حمایت‌های اجتماعی و روابط نزدیک و جایگزین آن‌ها با مکانیزم‌های رسمی کنترل رسمی و غیرشخصی و سازمان‌های بوروکراتیک می‌شود (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۰: ۱۹۹). بر اساس دیدگاه بوم‌شناختی زندگی در نواحی کلان‌شهرها، به بی‌برنامگی، آشفتگی، آنومی و خصایصی چون ضعف پیوندهای اجتماعی و از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی منجر می‌شود. زندگی در چنین محیط‌هایی به فشارهای فیزیکی و روانی برای شهروندان منجر می‌شود، به طوری که به آن‌ها احساس از خود بیگانگی و جدایی دست می‌دهد. بنابراین در صورتی که این مدل اتفاق بیفتد، شهروندان در محیط‌های ناامن شهری به‌طور قابل توجهی با چالش‌هایی در حفظ سلامت روانی و فیزیکی مواجه می‌شوند به طوری که نظام حمایت اجتماعی برای آن‌ها ضعیف می‌شود (شیریان، ۱۹۹۳: ۲۸۷). به اعتقاد پارک و برگس اقلیت‌های قومی هنگامی که به عنوان مهاجر وارد کلان‌شهرها می‌شوند از فرهنگ همگن خود جدا شده و به عنوان یک خرده‌فرهنگ وارد گروه‌بندی‌های ساکنان شهری می‌شوند. این فرآیند

۱- Chicago School.

۲-Park

۳-Burgess

۴-City Anomey

۵-Schwirian

تبدیل گروه های اقلیت به گروه های خرده فرهنگی همراه با " پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایین"^۱ باعث می شوند ساکنان این منطقه در شهر احساس ناامنی کنند. سکونت در "زاغه نشین های شهر"^۲ موجب پیدایش خرده فرهنگ بزهکارانه گردیده و به شیوع ناامنی ها منتهی خواهد شد (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۶، به نقل از ساچارا، ۱۹۷۸: ۷۵).

مهاجرت و ناامنی های شهری

بسیاری از محققین و اندیشمندان از جمله لی^۳ و همکارانش (۲۰۰۴)، مورای^۴ (۲۰۰۰)، و چوی^۵ (۱۹۹۷) بر این باورند که مهاجرت افراد از یک محیط جغرافیایی به محیط دیگر در برخی موارد منجر به مشکلات و فشارهایی برای خود مهاجر و از طرفی عدم هماهنگی در جامعه مقصد می شود. لین و یی^۶ (۱۹۹۷) در روند مهاجرت به جامعه جدید به فشارهای مالی، سیستم حمایت روانی- اجتماعی و مشکلات در روابط شخصی در سازگاری و ناامنی شهری تاکید دارند. مورای (۲۰۰۰) بر این باور است که در جامعه مقصد پنج منبع استرس جهت سازگاری مهاجران وجود دارد که عبارتند از: موانع زبانی، عدم آگاهی، مشکلات مالی، ناامنی های اجتماعی اجتماعی و اختلالات روانی (لی و همکاران^۷، ۲۰۰۴: ۴۰۰).

از دیدگاه پارک مهاجران در گذار از دنیای کهن خود به دنیای جدید، اغلب جابه جایی های دردناکی را تجربه می کنند. تازه واردان بین دو محیط فرهنگی زندگی می کنند، به این معنا که آن ها دیگر بخشی از فرهنگ قدیمی خود نبودند، اما بخشی از فرهنگ جدید نیز نبودند و این همان چیزی است که پارک آن را "تضعیف روحیه" یا "درهم ریختگی" شخصی می نامد. به نظر پارک این امر در نهایت منجر به دشواری های بالقوه مانند بیماری های شهری، خودکشی و اعمال تبهکارانه کمک می کند. او تا اندازه ای، همان گونه که زیمل^۸ شخصیت بیگانه را مشخص کرد، مهاجر را انسانی حاشیه ای می دید (کیوسیتو، ۱۳۸۳: ۱۸۴-۱۸۵).

۱- low socio-economic status
 ۲- urban slums
 ۳- Lee
 ۴- Mori
 ۵- Choi
 ۶- Lin & Yi
 ۷- Lee et al
 ۸- simmel

روان شناسان اجتماعی و جامعه شناسان شهری از جمله پارک^۱ (۱۹۱۴)، بری^۲ (۱۹۸۰)، کیم^۳ (۱۹۸۳) و پادیللا^۴ (۲۰۰۳) بر این باورند که افراد مهاجر در جامعه مقصد تحت شرایطی قرار می گیرند که اغلب متحمل فشارها و استرس های روانی شدید می شوند، چون فرآیند انطباق به گسستگی در الگوهای مرسوم زندگی می انجامد و ممکن است باعث لطمه زدن به ارزش های فرهنگی او در جامعه مبدأ گردد. برای اساس سعی در تخریب جامعه مقصد داشته و در برابر آن جبهه گیری فرهنگی می کند و در نهایت این امر منجر به ناهماهنگی در شهر شده و زمینه ناامنی ها را فراهم می سازد (پادیللا^۴، ۲۰۰۳: ۳۴).

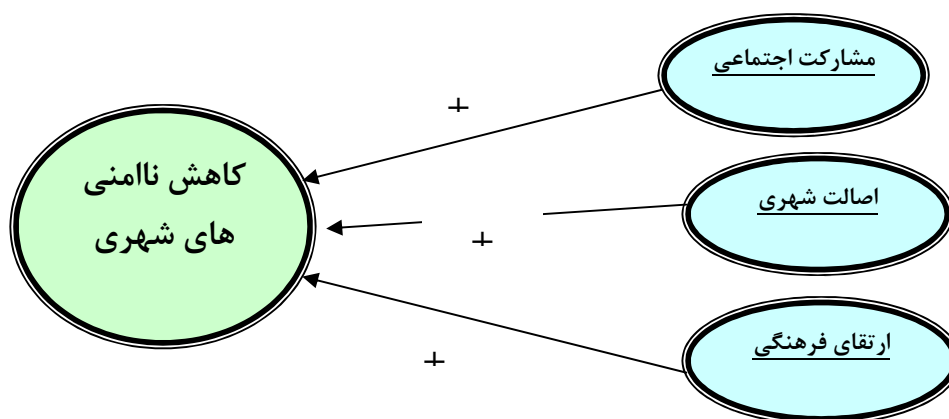
اوضاع نامساعد زندگی مهاجران از نظر اشتغال و مسکن موجب شده است که مسئله تبعیض نژادی هم پیش آید زیرا معمولاً مهاجران بین المللی موجب نفرت و غضب بومیان هستند. به شغل هایی روی می آوردند که بومیان حاضر به انجام آن ها نیستند. گرچه در آمد بیشتری دارند و البته این موجبات نگرانی های روحی و روانی مهاجران را فراهم می آورد. همچنین کمبود مسکن مناسب برای مهاجران موجب رشد نواحی غیراستاندارد نظیر حلبی آبادها و... شده است که خود منشأ بسیاری از بیماری های اجتماعی، روانی، جسمانی و... می شود. مسئله دیگری که به نظر می رسد موجب افزایش ناامنی های شهری می شود این است که مهاجران به دلیل اینکه از جامعه سنتی خویش جدا می شوند و در یک محیط بزرگ تر قرار می گیرند، از پیوندهای عاطفی و سنتی خویش دور شده و به عبارت دیگر از کنترل اجتماعی محیط قبلی فاصله می گیرند و خانواده و آنچه که مانع از بروز انحراف می شد، دیگر احساس نمی شود و افرادی که زمینه گرایش به انحراف در وجودشان می باشد به راحتی دست به انحرافات اجتماعی می زنند (مافی^۴، ۱۳۷۸: ۲۳).

مدل علی تحقیق

بررسی نگرش های گوناگون این امکان داد تا چشم اندازهای تحلیلی خود را وسعت دهیم و وجوه گوناگون مسأله تحقیق را آشکار سازیم و در نهایت چارچوب مناسبی برای آن برگزینیم. نمودار زیر روابط بین متغیرهای این پژوهش را در قالب مدل علی تحقیق نشان می دهد.

۱- Berry
۲- Kim
۳- Padilla
۴- Moafei

نمودار شماره ۱- مدل علی تحقیق



فرضیه های پژوهش

- میزان مشارکت مردمی در کاهش ناامنی شهری تاثیر مثبتی دارد.
- میزان ارتقاء فرهنگی در کاهش ناامنی تاثیر مثبتی دارد
- اصالت شهری بودن در کاهش ناامنی تاثیر مثبتی دارد.

روش تحقیق

با توجه به ملاحظات نظری، روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله پیمایش می باشد. جمع آوری اطلاعات از طریق ابزار پرسش نامه ساختاریافته انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه شهر کرمانشاه است که براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت آن برابر با ۷۹۴۸۶۳ نفر می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). از این جمعیت تعداد ۳۸۴ نفر از جامعه آماری به عنوان نمونه به شیوه تصادفی سیستماتیک و با استفاده از جدول نمونه گیری لین^۱ برای مطالعه انتخاب شدند (لین، ۱۹۷۴: ۴۴۸). در این مقاله برای انتخاب نمونه ابتدا حجم جامعه آماری بر حجم نمونه تقسیم شد و عدد ۲۰۷۰ به دست آمد. این عدد نمایانگر این بود که محقق می تواند از هر

۱- Lens Table

۲۰۷۰ نفر یکی را انتخاب نماید. قابل ذکر است که برای این کار شماره لیست افراد از ۱ تا عدد ۷۹۴۸۶۳ مشخص شد و سپس براساس عدد ۲۰۷۰ برای انتخاب نمونه ها اقدام شد. در مقاله حاضر از اعتبار صوری^۱ و اعتبار ملاک^۲ استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که آلفای کرونباخ برای متغیر مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی برابر ۰/۷۸ و در بعد عینی برابر ۰/۸۷ بوده است که نشان دهنده پایا بودن ابزار سنجش می باشد. برای سنجش اعتبار صوری گویه ها براساس چارچوب نظری تحقیق و مطالعات پیشین در اختیار اساتید دانشگاه قرار گرفت که در نهایت با حذف چند گویه بر اساس نظر این کارشناسان گویه های تحقیق انتخاب شدند. برای به دست آوردن اعتبار ملاک از استاندارد بیرونی استفاده شد که در نهایت با محاسبه ضریب همبستگی بین گویه های ملاک و جمع گویه های هر طیف به این اعتبار نیز دست یافتیم که مقدار آن برای مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی برابر ۰/۵۱ و در بعد عینی برابر ۰/۴۳ به دست آمده است. جهت پیدا کردن ملاک برای سنجش مشارکت اجتماعی از تحقیقات انجام شده توسط موسوی (۱۳۸۵)، احمدی و ایمان (۱۳۸۴) و خوش فر (۱۳۷۲) استفاده به عمل آمد و سؤالی کلی به عنوان ملاک در نظر گرفته شد و همبستگی بین کل گویه ها و آن سؤال کلی که خود در دامنه ای بین ۱ تا ۲۰ نمره گرفته بود، به دست آمد.

نامنی های شهری در این تحقیق بر پایه ۴ مؤلفه ارزیابی شده است:

نامنی های جانی، حالتی که فرد در آن فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان خود یا از دست دادن آن‌ها زندگی کند.

نامنی های مالی بر سرقت یا تخریب اموال و همچنین عدم اشتغال دلالت دارد.

نامنی های اجتماعی بر فقدان تعهد، نبود اعتماد، از دست دادن شغل و تنزل مقام در میان افراد جامعه دلالت دارد.

نامنی های روانی بر ترس از دست دادن آبرو و ارزش های اخلاقی، تضعیف الگوهای فکری و رفتاری دلالت دارد (بوزان^۳، ۱۹۹۸: ۹). این ۴ نوع نامنی در شهر کرمانشاه با استفاده از سؤالاتی در قالب طیف ۵ درجه

۱- Face Validity

۲- Criterion Validity

۳- Buzan

ای لیکرت سنجیده شده اند. برای هر کدام از آن ها گزینه های کاملاً موافق یا خیلی زیاد نمره ۱ و گزینه های کاملاً مخالف یا خیلی کم نمره ۵ گرفته اند.

مشارکت اجتماعی عبارت است از درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری اجتماعی مردم در زندگی اجتماعی (نوابخش، ۱۳۸۸: ۱۱۴). در این تحقیق مشارکت اجتماعی در دو سطح سنجش شده است: بعد عینی مشارکت: همان پیوند عینی افراد است که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم گیری بروز می کند، این بعد از مشارکت در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه ساز در افراد ایجاد می شود. به عبارتی این بخش از مشارکت، حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یک دیگر پیوند دارند (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۲). برای سنجش مشارکت در بعد عینی دوازده گویه که مقولاتی چون مشارکت رسمی، مشارکت غیررسمی (خبریه ای، مذهبی و همیارانه)، در نظر گرفته شد.

بعد ذهنی یا شناختی مشارکت، که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است. مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی، با استفاده از هشت گویه در اعتماد عمومی، اعتماد نهادی و آگاهی و توجه به امور عمومی، سیاسی و یا اجتماعی سنجش شده است. برای هر کدام از ابعاد مشارکت اجتماعی به گزینه های کاملاً موافق نمره ۱ و گزینه های کاملاً مخالف نمره ۵ لحاظ نمودیم.

اصالت شهری: هویت ملی مشترکی که براساس آن ها اعضای یک اجتماع شهری در مورد آن با هم همبستگی پیدا می کنند. در این تحقیق اصالت شهری علاوه بر محل سکونت، مدت زمان سکون، با استفاده از ۸ سؤال در راستای میزان پایداری و تعهد و همچنین مسئولیت پذیری افراد نسبت به ارزش ها، هویت و اصالت شهری در قالب طیف لیکرت سنجش شده است.

ارتقای فرهنگی: بالا بردن سطح دانش مطلق است که افراد از فرهنگ خودشان و فرهنگ های دیگر دارند، این دانش شامل عواملی چون مهارت های زبانی هر فرهنگ، آگاهی از حوادث تاریخی مهم، نمادهای فرهنگی، فهم و درک شکل های موسیقی و هنری فرهنگ ها و استانداردهای ارزشی و رفتاری می باشد که افراد از خودشان تولید می کنند (مرادی، ۱۳۸۵: ۳۶). در این مقاله ارتقای فرهنگی با استفاده از ۸ سؤال در قالب طیف ۵ درجه ای لیکرت سنجیده شده است.

یافته‌های تحقیق

داده‌های تحقیق حاصل استخراج پرسش نامه‌هایی است که توسط ۳۸۴ شهروند کرمانشاهی تکمیل گردیده و مبنای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است. پس از پایان یافتن کار گردآوری داده‌ها، نتایج خام به کامپیوتر انتقال یافت و سپس با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج به دست آمده از نمونه در مورد جنس پاسخ گویان نشان می‌دهد که ۵۷٪ آن‌ها مرد و ۴۳٪ زن بودند. در مورد وضعیت شغلی پاسخ گویان، ۶۷٪ شاغل و ۳۲٪ آن‌ها بیکار بودند. در مورد وضعیت مسکن پاسخ گویان، ۴۹٪ در خانه‌های شخصی، ۲۳٪ در خانه‌های اجاره‌ای، ۲۱٪ در خانه‌های سازمانی و ۷٪ نیز در سایر خانه‌ها زندگی می‌کنند. در مورد وضعیت طبقاتی پاسخ گویان، ۱۴٪ در طبقه بالا، ۶۲٪ در طبقه میانی و ۲۴٪ در طبقه پایین هستند. در مورد وضعیت تأهل پاسخ گویان، ۶۸٪ متأهل و ۳۰٪ مجرد بودند. میانگین سنی افراد در این تحقیق برابر ۴۲ سال می‌باشد. میانگین تحصیلات برابر با ۱۱/۲ کلاس می‌باشد. میانگین درآمد ماهیانه افراد نیز برابر ۲۸۴۳۷۵ تومان بوده است.

بررسی نتایج حاصل از سنجش بعد ذهنی مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد که ۷۴/۸٪ پاسخ گویان معتقدند که به دیگران نمی‌توان اعتماد کرد. ۷۸٪ آن‌ها اظهار داشتند که در این روزها باید در انجام کارها با دیگران مشورت کرد. ۸۱/۸٪ گفتند باید کارها به صورت گروهی انجام شود و ۷۸٪ اظهار کردند که منافع فردی را باید بر منافع جمعی اولویت داد. در نهایت برای بعد ذهنی از مشارکت اجتماعی ۲۷/۵٪ از پاسخ گویان بیان کردند که از لحاظ ذهنی در کنترل ناامنی‌های شهری مشارکت دارند. در بعد مشارکت عینی نتایج حاصل از داده‌ها نشان می‌دهد که ۳۰/۱۲٪ افراد در کنترل و کاهش ناامنی‌های شهری نقش دارند و اظهار کردند که این وظیفه‌ای است که به نیروهای نظامی محول است و خود را در این امر مسئول نمی‌دانستند.

جدول شماره ۱ توزیع پاسخ گویان برحسب میزان مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی و عینی را نشان می‌دهد. با مراجعه به یافته‌های مربوط به درصد مشارکت کنندگان در کنترل و نظارت بر ناآرامی‌های شهری در دو بعد مشارکت ذهنی و عینی، استنباط می‌شود که بالای ۸۰٪ افراد ابراز نمودند که مشارکت و یا تمایلی به مشارکت عینی در این مسائل ندارند. این در حالی است که تنها کمتر از ۸٪ افراد پاسخ گو در این کنترل و بازداشتن افراد به صورت عینی دخالت دارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که نزدیک به ۴۲٪ آن‌ها تمایل

دارند به صورت ذهنی در کنترل ناامنی های رایج در شهر دخالت کنند و افراد را از ارتکاب به آن ها بازدارند. همان طوری که نتایج نشان می دهد مشارکت اجتماعی شهروندان کرمانشاهی در مجموع کم و بیشتر حول و حوش فعالیت های اجتماعی ذهنی مانند صحبت کردن، اعتماد کردن و در حد شعار دادن است ولی عملاً در کنترل این ناامنی ها زیاد دخالت نمی کنند و آن را وظیفه ای غیر از وظیفه خود می دانند. در بررسی علل عدم مشارکت افراد به عواملی مانند بی قدرتی، موانع اقتصادی و موانع مربوط به جامعه اشاره می کردند. بعضی افراد به نگرش منفی مسئولین و مدیران جامعه به خصوص پلیس نسبت به مشارکت افراد اشاره کردند. یکی دیگر از موانع مشارکت شهروندان و گروه ها در کاهش ناامنی شهری و انحرافات شهری، بی اعتمادی و داشتن پنداشت نامطلوب از عملکرد دستگاه های پلیس می باشد.

جدول شماره ۱- توزیع پاسخ گویان بر حسب میزان مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی و عینی

مشارکت اجتماعی در بعد عینی			مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی			
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۵۰/۸	۵۰/۸	۱۹۵	۴/۱۹	۴/۱۹	۱۶	خیلی کم
۸۸/۰۴	۳۷/۲۴	۱۴۳	۴۶/۴۵	۴۲/۲۶	۱۶۱	کم
۹۳/۲۴	۵/۲	۲۰	۸۵/۸۳	۳۹/۳۸	۱۵۰	متوسط
۹۷/۹۴	۴/۲۱	۱۸	۹۸/۴۳	۱۲/۶	۴۸	زیاد
۱۰۰	۲/۱	۸	۱۰۰	۱/۵۸	۶	خیلی زیاد
	۱۰۰	۳۸۴		۱۰۰	۳۸۱	جمع
	۱/۱			۱/۶۵		میانگین

جدول شماره ۲ بررسی دیدگاه زنان و مردان نسبت به میزان مشارکت آن ها را نشان می دهد. یافته های حاصل از تحقیق بر اساس آزمون T نشان می دهد که میانگین میزان تمایل به مشارکت برای زنان بیشتر از مردان است. این تفاوت مشاهده شده در سطح حداقل ۹۵٪ معنادار می باشد.

جدول شماره ۲- آزمون تفاوت میانگین مشارکت اجتماعی بر حسب جنسیت
افراد نمونه ($n=384$)

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	معناداری
مرد	۲۱۹	۵۴/۳۵	۱۲/۷۵	۱۲/۴۴	۰/۰۰۰
زن	۱۶۵	۷۲/۶۲	۱۵/۳۷		

جدول شماره ۳ ضریب همبستگی بین متغیرهای اصلی تحقیق و کاهش ناامنی شهری را نشان می دهد. نتایج حاصل از این ضریب نشان می دهد که بین کاهش ناامنی در شهر و میزان ارتقای فرهنگی ($r=0/17$)، میزان اصالت شهری ($r=0/74$)، میزان مشارکت در بعد ذهنی ($r=0/34$) و میزان مشارکت در بعد عینی ($r=0/39$) رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. این رابطه برای دو متغیر میزان اصالت شهری قوی تر از سایر ضرایب است.

جدول شماره ۳- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی تحقیق و
کاهش ناامنی شهری

نام متغیر	میزان ارتقای فرهنگی		میزان اصالت شهری		میزان مشارکت	
	فراوانی	میانگین	فراوانی	میانگین	فراوانی	میانگین
کاهش ناامنی	۰/۱۷	۰/۷۴	۰/۳۴	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۳۹
معناداری	۰/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

مقایسه ابعاد مختلف ناامنی های شهری

برای مقایسه ابعاد مختلف ناامنی های شهری از آزمون اندازه گیری مکرر^۱ و آزمون تی با تصحیح بونفرونی استفاده شده است. استفاده از این آزمون ها زمانی امکان پذیرست که تعداد گویه های طیف های مورد استفاده یکسان باشد. از آنجا که تعداد گویه های ابعاد ۴ گانه ناامنی های شهری مساوی نمی باشد لذا ابتدا می بایست نمره افراد در هر بعد به تعداد گویه های همان بعد تقسیم گردد تا میانگین نمره پاسخ گوینان برای یک گویه در

۱- Repeated Measurement

هر بعد محاسبه و سپس این نمرات با هم مقایسه گردد. نتایج حاصل از آزمون اندازه گیری مکرر نشان می دهد که بین برخی ابعاد تفاوت معنی دار وجود دارد. برای تشخیص اینکه بین کدام بعد تفاوت معنی دار وجود دارد. از آزمون تکمیلی تی با تحصیح بونفرونی استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که مسیر پتانسیل ناامنی های شهری از دید پاسخ گویان در بعد مالی می باشد (با میانگین نمره ۳/۵۶ از ۵) و پس از آن بعد روانی با میانگین نمره ۳/۵۵ قرار دارد. این در حالی است که کمترین ناامنی های شهری در بعد اجتماعی (با میانگین ۳/۱۶) و بعد جانی (با میانگین ۳/۱۷) وجود دارد. بر اساس نتایج حاصل از آزمون تی، بین بعد جانی با اجتماعی تفاوت معنی دار وجود ندارد.

جدول شماره ۴- آزمون معنی داری تفاوت ابعاد مختلف ناامنی های شهری

بعد	میانگین	بعد مالی	بعد روانی	بعد جانی	بعد اجتماعی
بعد مالی	۳/۵۶	—	۱/۰۰۰	۱/۰۴۱	۱/۲۱
بعد روانی	۳/۵۵	۶/۰۲	—	۱/۱۳	۱/۴۵۱
بعد جانی	۳/۱۷	۳/۶۱	۱/۳۹	—	۱/۰۰۰
بعد اجتماعی	۳/۱۶	-۶/۳	۲/۱۱	۸/۳۲	—

رابطه بین ابعاد مشارکت اجتماعی با ابعاد ناامنی شهری

جدول شماره ۵ نشان دهنده ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد مشارکت اجتماعی با ابعاد ناامنی شهری می باشد. نتایج مشاهده شده از جدول نشان می دهد که بین تمام ابعاد ناامنی شهری و مشارکت اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد و جهت این رابطه منفی است به این معنا با افزایش میزان مشارکت شهروندان در نظارت، اجرا و تصمیم گیری های شهری، نرخ ناامنی های شهری کاهش پیدا می کند. نکته ای که مدنظر است، این است که این رابطه در دو بعد روانی و اجتماعی با بعد مشارکت در بعد ذهنی قوی تر ولی در بعد عینی ضعیف می باشد.

جدول شماره ۵ - ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد مشارکت اجتماعی با ابعاد ناامنی شهری

نام متغیر	ناامنی های شهری	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی	ناامنی مالی	-۰/۳۳	۰/۰۰۰
	ناامنی روانی	-۰/۵۱	۰/۰۰۰
	ناامنی جانی	-۰/۱۸	۰/۰۰۱
	ناامنی اجتماعی	-۰/۴۵	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی در بعد عینی	ناامنی مالی	-۰/۵۳	۰/۰۰۰
	ناامنی روانی	-۰/۲۲	۰/۰۰۰
	ناامنی جانی	-۰/۶۱	۰/۰۰۰
	ناامنی اجتماعی	-۰/۱۶	۰/۰۰۲

جدول شماره ۶ نشان دهنده ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی (ذهنی و عینی) و ناامنی های شهری می باشد. نتایج مشاهده شده از جدول نشان می دهد که بین ناامنی شهری و بعد ذهنی مشارکت اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد و جهت این رابطه منفی است اما بین ناامنی شهری و بعد عینی مشارکت اجتماعی این رابطه قوی تر است. در نهایت می توان استدلال کرد که بین دو متغیر مذکور رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد.

جدول شماره ۶ - ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی و ناامنی شهری

متغیرها	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	معناداری
مشارکت اجتماعی	بعد ذهنی	-۰/۳۴	۰/۰۰۰
	بعد عینی	-۰/۳۹	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	ناامنی های شهری	-۰/۳۷	۰/۰۰۰

رگرسیون چندمتغیره

در مقاله حاضر از آماره رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام استفاده شده است. در این روش متغیرهای مختلف به ترتیب میزان اهمیت در تعیین نسبت واریانس متغیر وابسته وارد معادله می شوند. جدول شماره ۷ ضریب رگرسیون چندمتغیره را نشان می دهد. در اینجا کل متغیرهای مستقل زمینه ای و مستقل واسطه ای به شیوه گام به گام کاهش ناامنی شهری را نشان می دهد. در اینجا کل متغیرهای مستقل زمینه ای و مستقل واسطه ای به شیوه گام به گام وارد معادله شدند و پنج متغیر اصالت شهری بودن با مقدار (Beta=۰/۴۷) در مرحله اول، میزان مشارکت اجتماعی در بعد عینی با مقدار (Beta=۰/۳۷) در مرحله دوم، میزان مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی با مقدار (Beta=۰/۲۳) در مرحله سوم، جنسیت افراد با مقدار (Beta=۰/۱۸) در مرحله چهارم و میزان ارتقای فرهنگی با مقدار (Beta=۰/۲۱) در مرحله پنجم به ترتیب میزان اهمیتی در تعیین نسبت واریانس متغیر وابسته داشته اند، وارد معادله رگرسیونی شده اند و در مجموع این پنج متغیر توانسته اند ۵۵٪ از واریانس متغیر وابسته را به حساب آورند (R = ۰/۵۵).

جدول شماره ۷- متغیرهای باقی مانده در معادله برای پیش بینی متغیر کاهش ناامنی شهری

مرحله	متغیر	B	Beta	مقدار T	سطح معناداری	R
۱	اصالت شهری بودن	۰/۶۱	۰/۴۷	۷/۴۳	۰/۰۰۰	۰/۳۹
۲	مشارکت در بعد عینی	۰/۵۸	۰/۳۷	۵/۹۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲
۳	مشارکت در بعد ذهنی	۰/۲۳	۰/۲۳	۴/۱۱	۰/۰۰۴	۰/۴۶
۴	جنسیت	۲/۲۹	۰/۱۸	۳/۲۳	۰/۰۰۸	۰/۵۰
۵	میزان ارتقای فرهنگی	۰/۶۵	۰/۲۱	۲/۸۴	۰/۰۰۵	۰/۵۵

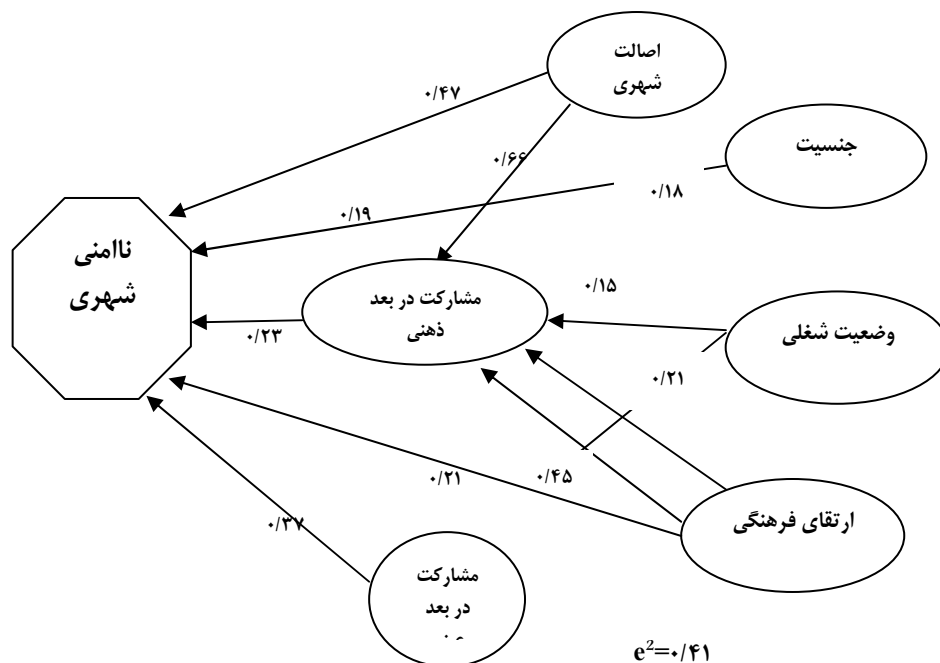
مدل تحلیل مسیر

مدل تجربی پژوهش یک مدل علی از نوع تحلیل مسیر^۱ است. برای رسم مدل مسیر از ضرایب مسیر متغیرهایی استفاده شده است، که مقدار T آن‌ها در سطح معناداری قرار دارد. ضریب مسیر در این مدل نماینده

۱- Path Analysis

شدت رابطه بین دو متغیر با ثابت نگه داشتن اثر متغیرهای دیگر موجود در مدل است. در ضمن فلش های اضافی که از بیرون به متغیرها هدایت شده اند، مقداری از واریانس توضیح داده نشده برای هر متغیر بر می گردد، که کنترل آن ها از توان محقق خارج بوده است. همان طور که در مدل مسیر مشاهده می شود، اصالت شهری با ضریب مسیر ۰/۴۷ نشان می دهد که هر چه اصالت شهری افراد قوی تر باشد تأثیر بیشتری در کاهش ناامنی های شهری دارند. متغیری مانند ارتقای فرهنگی با ضریب مسیر ۰/۱۹ از یک طرف تبیین کننده مشارکت در بعد ذهنی و از طرف دیگر با ضریب مسیر ۰/۲۱ تبیین کننده کاهش ناامنی های شهری است. متغیری مانند وضعیت شغلی به طور غیر مستقیم از طریق مشارکت اجتماعی در دو بعد ذهنی و عینی با ناامنی های شهری در رابطه است. همچنین جنسیت افراد با مقدار ضریب مسیر ۰/۱۸ و مشارکت افراد در بعد عینی با ضریب مسیر ۰/۲۳ با متغیر وابسته یعنی کاهش ناامنی های شهری در ارتباط معناداری بوده اند. با اطلاع از اثرات مستقیم و غیرمستقیم حاصل شده برای متغیرهای مستقل روی متغیر وابسته می توان اذعان کرد که کل متغیرها توانسته اند ۵۵٪ از تغییرات ناامنی های شهری را در شهر کرمانشاه تبیین و پیش بینی نمایند. نمودار شماره ۲ نحوه ارتباط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را با استفاده از ضرایب مسیر نشان می دهد.

نمودار شماره ۲ - مدل تحلیل مسیر



بحث و نتیجه گیری

وجود امنیت اجتماعی به عنوان یکی از تمهیدات در راستای حفظ حیات گروه‌های اجتماعی و برخورداری آن‌ها از فرصت‌ها و امکانات و تسهیلات به منظور دست‌یابی به اهداف مورد نظر خویش مطرح شده است. از طرفی سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارهای اجتماعی است که از طریق ارتباط متقابل شهروندان و مشارکت آن‌ها با مجموعه مدیریت شهری ایجاد می‌شود. این مقاله با هدف نقش مشارکت مردمی به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی در کاهش ناامنی های شهری در کرمانشاه انجام گرفته است. نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که

بین ناامنی شهری و بعد ذهنی مشارکت اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد و جهت این رابطه منفی است اما بین ناامنی شهری و بعد عینی مشارکت اجتماعی این رابطه قوی تر است.

براساس نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان چنین استنباط کرد که درصد اندکی از افراد و خانواده‌ها در امر نظارت اجتماعی و کنترل ناامنی های شهری دخالت دارند. در بررسی این فضای اجتماعی می‌توان نقش موانعی مانند بی‌قدرتی، احساس بیگانگی افراد از نظام پلیسی و همچنین نگرش منفی مسئولین و مدیران نسبت به مشارکت ذکر کرد. این بحث را می‌توان در دیدگاه نظری اندیشمندان اجتماعی برای توصیف جدایی افراد از دیگران، جدایی از خود، فردگرایی مفرط در دنیای صنعتی امروز و ... لحاظ نمود که فرد را منفعل نسبت به دنیای اطراف خود می‌کند. از طرفی جامعه‌ای که از پیش رفت فرهنگی لازم برخوردار باشد و مردم آن جامعه از لحاظ آگاهی به مقررات و آشنایی با حقوق خود و دیگران در شرایط قابل قبولی باشند و نیز برخوردار از آداب اجتماعی و آگاه از شرایط زندگی مدنی باشند، در این صورت به عنوان هموارکننده تحقق امنیت و کاهش ناامنی شهری ایفای نقش خواهند کرد. اگر جامعه از مردمی که دارای بینش کافی، آگاهی نسبت به مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و نیز مردمی هوس باز و همیشه‌گریزان از چارچوب مقررات و موازین شرعی تشکیل شده نباشند در آن صورت نقش مردم به عنوان مقابله با کاهش جرایم اجتماعی و ناامنی های شهری می‌تواند حایز اهمیت باشد.

نتایج حاصل از این تحقیق علاوه بر تایید مطالعات انجام شده توسط ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵)، احمدی و همکاران (۱۳۸۶)، مرادی و جلاتیان (۱۳۸۶)، خوش‌فر (۱۳۸۲) و همچنین انصاری (۱۳۸۲)، توانسته است اثر دو متغیر دیگر به نام اصالت شهری و میزان ارتقای فرهنگی را در کاهش ناامنی ها مورد بررسی قرار دهد. نتایج

نشان می دهد که میزان تعلق اجتماعی شهروندان در معنای اصالت شهری و حس شهروندی هر اندازه افزایش یابد و در میان آن‌ها بیشتر شود، در کاهش نرخ ناامنی های شهری تأثیر گذار بوده است.

از طرفی براساس دیدگاه انسان شناسان فرهنگی و روان شناسان اجتماعی با افزایش یکی از ابعاد فراساختاری فرهنگ به نام آگاهی فرهنگی چون مهارت‌های زبانی هر فرهنگ، آگاهی از حوادث تاریخی مهم، نمادهای فرهنگی، فهم و درک شکل‌های موسیقی و هنری فرهنگ‌ها و استانداردهای ارزشی و رفتاری که افراد از خودشان تولید می کنند، بالاتر رود، خودش یک عامل کنترل کننده کاهش ناامنی ها در شهرها می باشد. با توجه به اینکه در طول تاریخ ایران شاهد مشارکت افراد در مناسک اجتماعی و رسومات اجتماعی بوده ایم، اما این رویه فرهنگی در فضاهای حساس و محیط‌هایی که نهادهای رسمی دخالت دارند، ضعیف عمل می کند.

بر این اساس نتایج این تحقیق به صورت نظری می توان استدلال کرد که در زمینه کاهش ناامنی های شهری و افزایش امنیت اجتماعی و برقراری محیطی آرام و مناسب برای شهروندان می توان موارد ذیل را در جامعه عملی نمود:

۱- فرهنگ سازی برای ایجاد احساس مسئولیت فرد به نقش‌هایش در جامعه انجام پذیرد تا از یک طرف موارد خلاف هنجاری برطرف و از طرف دیگر ثبات در کلیه ارکان جامعه مخصوصاً در بعد اقتصادی و اجتماعی در جامعه حاصل شود.

۲- رفع تنش‌های روانی و کاهش عواملی چون فقر از طریق فراهم آوردن امکانات اشتغال و تولید و توسعه اقتصادی و اجتماعی، که خود راهبردی جهت کاهش آشوب‌های اجتماعی و بالا بردن میزان مشارکت اجتماعی افراد در سطح جامعه می باشد.

۳- فراهم آوردن فضای آرام و عاری از تنش و رفع نیازهای روحی، جسمی و اجتماعی جهت جلوگیری از معضلات بالقوه ناشی از عدم رعایت اصول اخلاقی در جامعه.

۴- اعتماد سازی و اعتماد پروری با توجه به شرایط فعلی تنها در صورتی امکان پذیر است که زمینه های اعتماد بنیادی در خانواده، مدرسه، و همسالان مورد تقویت قرار گیرد تا گام‌های بعدی در سطوح بالاتر زندگی برداشته شود، نقصان در این فرایند مانع ایجاد بسترهای اعتماد خواهد بود.

۵- برای برقراری امنیت در جامعه به ساختاری نیاز داریم که در آن حداقل عناصری چون عدالت اجتماعی، تامین رفاه اجتماعی، عدم استبداد، اشتغال، مشارکت کامل مردم و توزیع داناایی در جامعه وجود داشته باشد.

فهرست منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴): جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، سمت.
- احمدی، حبیب و محمدتقی ایمان (۱۳۸۴): "فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده پاله شیراز"، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، سال نوزدهم، شماره ۲، ص ۹۹.
- احمدی، حبیب (۱۳۷۷): نظریه های انحرافات اجتماعی، شیراز، انتشارات زر.
- احمدی، حبیب، گلمراد مرادی و زهره آذرگون (۱۳۸۶): "بررسی رابطه بین مشارکت مردمی و امنیت اجتماعی"، فصل نامه توسعه انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره اول، شماره چهارم، صص: ۹۱-۱۱۰.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲): "امنیت اجتماعی: ویژگی ها، مقوم ها و پیامدها"، فصل نامه امنیت عمومی، سال اول، شماره ۱، صص ۳۵-۵۵.
- بیات، بهرام (۱۳۸۴): "بررسی پدیده حاشیه‌نشینی در استان تهران"، فصلنامه تخصصی - کاربردی مطالعات امنیت اجتماعی، تهران، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، شماره اول.
- بیانلو، یوسف (۱۳۸۵): بررسی رابطه بین عوامل جمعیت‌شناختی و شرایط بوم‌شناختی با نوع جرم و نرخ جرم در شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم اجتماعی.
- پیران، پرویز، میرطاهر موسوی و ملیحه شیانی (۱۳۸۵): "کاربایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی"، فصل نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۵-۹.
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۵): کودکان کار و خیابان، ناشر سلمان.
- خوش فر، غلامرضا (۱۳۷۲): بررسی مشارکت مردم در ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، صص ۲۹۵-۲۷۵.
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵): "تبیین افول سرمایه اجتماعی"، فصل نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۱۴۷-۱۷۳.
- ساروخانی، باقر و میژو نویدنیا (۱۳۸۵): "امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران"، فصل نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.

سال ششم	مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد	۱۲۸
	سبحانی نژاد، مهدی (۱۳۷۹): مسئولیت پذیری اجتماعی در برنامه ریزی درسی کنونی - دوره ابتدایی ایران و طرحی برای آینده، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.	
	صادقیان، سید جلال (۱۳۸۲): "درآمدی بر امنیت و ابعاد گسترده آن"، فصل نامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره ۱، دانشگاه علوم نظامی.	
	صالحی، محمد (۱۳۸۶): "اثثیر کنترل های اجتماعی و انتظامی در امنیت اجتماعی"، مجموعه مقالات سمینار امنیت، مشارکت و جامعه، انتشارات سالوک، ۱۳۸۶، صص ۱۴۶-۱۳۰.	
	صدیق سروستانی، رحمت ا. (۱۳۸۰): "انسان و شهرنشینی"، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، جلد دوم، شماره ۱، صص ۱۹۸-۲۲۶.	
	عبداللهی، احمد و محمدتقی ایمان (۱۳۸۵): "ارزیابی کارکرد اجتماعی سازمان های غیردولتی در ایران"، فصل نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۷۷-۳۰۱.	
	فاین، بن (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، ترجمه سروریان، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی.	
	فتحی آذر، اسکندر (۱۳۷۳): "رشد مسئولیت پذیری اجتماعی در نوجوانان و نقش آن در یادگیری"، مجموعه مقالات سمپوزیوم جایگاه تربیت نوجوان و جوان، تهران، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی.	
	فیالکوف، یانکل (۱۳۸۸): جامعه شناسی شهر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، موسسه انتشارات آگاه.	
	فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹): پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.	
	قربان حسینی، علی اصغر (۱۳۷۷)، "احساس امنیت"، نشریه امنیت، سال دوم، شماره ۴، ص ۲۳.	
	کیوسیتو، پیترو (۱۳۸۳): اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی، ترجمه منوچهر محسنی، تهران، نشرنی.	
	گل پرور، محسن و حمیدرضا عریضی (۱۳۸۵): "نقش مشارکت شهروندی، شایسته سالاری و ساختارهای سازمانی در رفتار و نگرش کارکنان سازمان ها"، فصل نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۷۵-۲۵۱.	
	مافی، عزت اله (۱۳۷۸): "مهاجرت و رابطه آن با بزهکاری"، فصل نامه جمعیت، سال هشتم، شماره ۲۸ و ۲۷.	
	محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳): وندالیسم، مبانی روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی و روان شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب شناسی و کزرفتاری اجتماعی، انتشارات آن.	

مرادی، گلرمداد و وجیهه جلاتیان (۱۳۸۶): "بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی جوانان و امنیت اجتماعی، مورد مطالعه شهر مشهد"، مجموعه مقالات سمینار امنیت، مشارکت و جامعه، انتشارات سالوک، ۱۳۸۶، صص ۲۹-۵۱.

مرادی، گلرمداد (۱۳۸۵): بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با کیفیت سلامت روانی مهاجران، مورد مطالعه شهر اسلام آبادغرب، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته جمعیت شناسی به راهنمایی دکتر محمدتقی ایمان، دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، بخش جامعه شناسی.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۴)، سالنامه آماری ۱۳۸۳.

ممتاز، فریده (۱۳۸۳): جامعه شناسی شهر، تهران، شرکت سهامی انتشار.

موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵): "مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی"، فصل نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۹۲-۶۷.

نقدی، اسد... (۱۳۸۲): درآمدی بر جامعه شناسی شهری، انسان و شهر، همدان، انتشارات فن آوران.

نوابخش، مهرداد و اسحق ارجمند سیاه پوش (۱۳۸۸): مبانی توسعه پایدار شهری، تهران، انتشارات جامعه شناسان.

نوابی راهبر، زهرا (۱۳۸۶): "پلیس جامعه محور و سرمایه های اجتماعی"، مجموعه مقالات سمینار امنیت، مشارکت و جامعه، انتشارات سالوک، ۱۳۸۶، صص ۲۴۸-۲۳۸.

Becker, H. S. (۱۹۶۰): Notes on the Concept of Commitment. *American Journal of Sociology*, No. ۶۶, pp.۳۲-۴۲.

Bennetta, S & D.P. Farringtona & L.R Huesmannb & A.Calvo. (۲۰۰۵). "Explaining gender differences in crime and violence: The importance of social cognitive skills." *Aggression and Violent Behavior*. Vol. ۱۰, Issue. ۳, pp. ۲۶۳-۲۸۸.

Buzan & Weaver & Wilde (۱۹۹۸): *Security A New Framework for Analysis*, London, Renner.

Chambers, R. (۱۹۸۳): *Rural development-putting the last first*, Longman, London.

Fowler, A. (۱۹۹۲): Distant obligations: Speculation on NGO Funding and the global mark, *Review of African Political Economy*, No, ۵۵.

Iqblur, R. (۱۹۹۲): National Security and Problems of Unconventional Warfare, *Publishing's House*, P. ۶

Lee, J. S. & et al.(۲۰۰۴): "Social Support buffering of acculturation stress: A Study of mental health symptoms among Korean international students". *International of intercultural relations*, Vol.۲۸, pp.۳۹۹-۴۱۴.

Lin, N.(۱۹۷۴): **Foundation of Social Research**, New York: MC Graw. Hill.

Linda (۲۰۰۰): **understanding social problem**, London blackweel publishing.

Padilla, M. A. & Perez, W.(۲۰۰۳): "Acculturation, Social identity and Social Cognition: A New Perspective". *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, Vol. ۲۵, No. ۱, pp. ۳۵-۵۵.

Saarts, T. (۲۰۰۲): Social capital and trust in government institutions from an ethnic perspective, *Riigikogu Toimetised*, Vol. ۶, pp. ۹۷-۱۰۷.

Schwirian, O. K. & Schwirian, M. P.(۱۹۹۳): "Neighboring, residential satisfaction and psychological well-being Inurban elders." *Journal of Community Psychology*, Vol. ۲۱, pp ۲۸۵-۲۹۹.

Sherman, R.S(۱۹۸۹): Public Attitudes Towards Social Security. **Office of Research & Statistics**. Vol. ۵۲, No.۱۲, pp.۲-۱۶.

Wentzel, K. R. (۱۹۹۱): Social Competence at School: Relationn between Social Responsibility and Academic Achievement. *Reviewed Educational Research*. Vol. ۶۱, pp. ۱-۲۴.

Winter, I. (۲۰۰۰): **Towards Theorized understanding of family life and social capital**, Melbourne, Australian institute of family studies.